

- Iranian Art and Archaeology v, 2, December, 1937, 115.
- 9- Fraser, J. B. : Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern Bank of the Caspian Sea.
- 10- Godard, A. : L'Art de L' Iran, Paris 1962.
- 11- Hanway, J. : An Historical account of the British Trade over the Caspian Sea. vol. I.
- 12- Herbert, Thomas: Travels in Persia, 1627 - 1629.
- 13- Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian.
- 14- H. L. Rabino: Mazandaran and Astarabad, London 1928.
- 15- L. A. Mayer: Islamic Woodcarvers and their Works, Geneva - 1958.
- 16- Mary E. Burkett, «Tomb Towers and inscriptions in Iran» Oriental art m.s xi No2, 1965.
- 17- Mackenzie, C. F. Narrative of a Journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Asterabad during the winter and spring of 1858 - 1859
- 18- Napier, G. C. : Collection of Journals and Reports on a Special duty in Persia, London, 1874.
- 19- Nosratollah Meshkati : A list of the Historical Sites and Ancient Monuments of Iran tr. by A. S. Pessyan. Tehran 1334.
- 20- Sarre: Dankmaler Persischer Baukunst.
- 21- Stuart, Charles: Journal of a Residence in Northern Persia, London, 1854.
- 22- The Art of Islam, Hayward Gallery, 8 april-4 July, 1979. Arts Council. London, 1979.

تصحیحات ، اضافات و تعلیقات

صفحه سطر

- ۱۸/۱۳ : قصر آمله به جای قصر آمل صحیح است.
- ۷/۱۵ : يك سطر مكرر چاپ شده است.
- ۲۲/۲۱ : تعمیر به جای تعمیر صحیح است.
- ۱۹/۲۵ : ظاهراً اودشت محله به جای اردشت محله صحیح است.
- ۴/۳۲ : حاجی محمدحسن امین الضرب صحیح است.
- ۱۳/۳۹ : خضر به جای خضر صحیح است.
- ۱۲/۴۴ : ظاهراً شکل صحیح نام ابوالحسین احمد است.
- ۱۸/۵۵ : نقطه قاف افتاده و قرنیس صحیح است.
- ۲۰/۶۵ : صحیح غلط و درست آن صحیح است.
- ۱/۷۹ : رابنیو، حرف یاء مقدم برنون است.
- ۱۶/۹۵ : نقطه خاء زیاد است و محتشم نام شاعر است.
- ۲/۱۲۴ : قلعه دارا در رودبار هج است.
- ۱/۱۲۹ : قلاش بضم الف = قلاوش.
- ۳/۱۲۹ : قلاودش اشتباه است و صحیح آن قلاوش است.

صفحه سطر

- ۱۲/۴۳۷ : فانفین از دهکده‌های رودبار است نه فانفین.
 ۱۸/۴۳۷ : در کوهپر کجور، دهکده‌ای به نام «بالو» نیافتیم.
 ۲۰/۴۳۸ : بالو محله یادگار شیخ بالواست، نباید چنین باشد. بالو محله یعنی محله بالونشین که تیره‌ای از اهالی مازندران هستند خودشیخ بالوهم باید از این خاندان باشد.
 ۲۳/۴۴۱ : تانبید = بانبید و رود الخ
 ۵/۴۴۲ : رسگت باگاف به جای رسکت باکاف.
 ۱/۴۵۹ : ظاهراً مخلص غلط خوانی کرده و تسعمایه صحیح است.
 ۱۷/۴۹۵ : کوی به جای سکوی .
 ۵۰۳/حاشیه: شماره يك افتاده است.
 ۲/۵۰۴ : محکمی صحیح است.
 ۵۰۶/حاشیه: Ni به جای EN.
 ۱۵/۵۱۵ : آزادگله باگاف صحیح است.
 ۱۳/۵۲۳ : همراهان صحیح است.
 ۱۷/۵۳۲ : ثمانمائیه صحیح است.
 ۶/۵۳۳ : برسرراه فرح آباد است.
 ۷/۵۳۳ : در سال ۱۳۰۰ و CORPUS .
 ۲/۵۳۴ : فخرالدین شکل صحیح کلمه است.
 ۵۳۴/حاشیه: حدسی که اینجانب درباره نسبت کیلانی با کاف زده صحیح نیست. در کتیبه باید سرکش کاف افتاده باشد.
 ۵۴۱/حاشیه: ETUDE شماره ۱۲۱ کتاب اسامی دهات کشور.
 ۱۳/۵۴۲ : تراهما درست است.

صفحه سطر

- ۶/۱۳۴ : ساری به جای سازی صحیح است.
 ۱/۱۳۵ : قزان چاهی به جای قزاق چاهی.
 ۹/۱۸۹ : بحرالارم به جای بحرالارام.
 ۱۰/۲۰۵ : بيمثل و صبور معنی درستی ندارد، ظاهراً بيمثل و نظير بايد باشد.
 ۱۱/۲۱۳ : ناصرالدین شاه صحیح است.
 ۷/۲۱۶ : بيبتون به ترتیب یاء و باء و یاء و تاء .
 ۷/۲۱۷ : الف جمع در آمنوا افتاده است.
 ۱۳/۲۳۹ : معمولا صدق الله و صدق رسوله گفته می شود.
 ۶/۲۵۵ : نه دهکده آن به جای نه مکده آن.
 ۴/۲۷۸ : کلمه دو غلط است و باید به در تبدیل شود.
 ۱/۲۸۱ و ۲ و ۳ و ۴ : دنباله‌ای سوادت بر رخی ارحام مالی عنبرین خوانده نشد. ظاهراً شعر به زبان محلی است.
 ۱/۲۸۲ و ۲ و ۷ و ۸ : کتیبه نویس و کتنده کار هر دو بی سواد بوده‌اند و جمله‌های عجیب ترکیب کرده‌اند.
 ۷/۳۱۸ : گورسید به جای گور رسید.
 ۷/۳۲۲ : بی بی صحیح است، نقطه باء دوم افتاده است.
 ۸/۳۴۹ : چپکروود به جای چپکروود.
 ۴/۳۵۹ : امامزاده زین العابدین در صفحه دست راست شرح داده شده است.
 ۱۷]۴۲۰ : لی پشت به جای لی پشت.
 ۷/۴۳۴ : لمزر به جای لمرز.
 ۱۹/۴۳۵ : لمزر به جای لمرز.
 ۱/۴۳۷ : صندوقك شکل درست کلمه است.

صفحه سطر

۵۵۳ / ۸: فضائلی به جای فاضی صحیح است.

۵۷۰ / ۱: زرج دره.

۱۲ / ۵۷۳: تپه‌های.

۵۷۹ / سطر آخر: مرقد به جای مرند.

۶ / ۵۸۰: واقع.

۳ / ۵۹۵: ملگنوف صحیح است.

۱۱ / ۶۰۵: انتهای سطر ۱۱ شماره ۴ اضافه شود.

۱۱ / ۶۰۷: جر کلباد در زمان شاه عباس ساخته شده، شاید کریم‌خان تعمیر و مرمت کرده باشد.

۶۰۹ / حاشیه: IDEM. شماره ۱۳ مربوط به شماره ۱۲ ص ۶۰۸ است.

۵ / ۶۱۳: پنجهزاره.

۸ / ۶۱۶: حمام قاضی به جای حمام غازی.

۱۷ / ۷۱۳: بنه علی اکبر به جای بند علی اکبر.

۴ / ۶۷۹: مرمت به جای سرمست.

۹ / ۷۴۸: کسلیان به جای کیلیان.

۱۳ / ۷۵۳: کلمهٔ خمسین را کاتب درد و بخش نوشته بود. علت آن روشن نشد.

۷۵۴ / سطر آخر حاشیه: CORPUS صحیح است.

۱۰ / ۷۵۵: شدرب و تنا معلوم نیست چه منطقه‌ایست و فضل کلاته هم نامگذاری غریبی است.

۱۴ / ۷۵۵، ظاهراً «هند» نام پسر حیدر بن محمد نجار است. باقی عبارت «بخیر محمد دعا محتوا» معنی ندارد.

۱۸ / ۷۵۵: به جای «انجیل» که در کتیبه آمده، «النجل المطلق من سلالة نبوی» باید باشد.

۱۲ / ۷۶۱: میرظهير الدين از سيد علي بن سيد عبدالعزيز در هزار حزیب نام برده است.

ظاهراً با مرقد امیر سید علی یکی است. ولی در کتیبهٔ صندوق مزار او نام

پدرش قید نشده. چون این مرد در تاریخ ۸۲۹ قمری فوت شده است

و آخرین وقایع عمر میرظهير الدين به سنهٔ ۸۸۸ قمری می‌رسد. می‌توان

این مزار را با آنچه میرظهير الدين زیارت می‌کرده یکی دانست.

۱۲ / ۷۶۶: خطاطی عبارات عربی را قبلاً درست نوشته، تعجب است که به جای

«مبارك» «موبارك» نوشته است.

۱۵ / ۷۶۶: عبارات از نظر ترکیب عربی درست نیست.

۲۰ / ۷۶۶: کلمه «عیلی» شاید در شعر به جای «علی» آمده است.

۲۴ / ۷۶۶: نورث با ثاء سه نقطه به جای «نورست» بر بی‌سوادی کاتب دلیلی

قاطع است.

۴ / ۷۶۷: معنی مصراع دوم روشن نیست.

میرزای عالمیان در فرح آباد از درگاه

شاه عباس را نده شد

میرزای عالمیان دربارهٔ توفیر وجوهات دیوانی مبلغ هجده هزار تومان از تفاوت

تسعیر برنج لاهجان، از رعایا بازیافت نموده، داخل جمع خود نکرده بود. این

جریان را بهزاد بیک پس از رسیدگی به شاه عباس گزارش داد. سخن بهزاد بیک در

مزاج شاه عباس جایگیر شد. بهزاد بیک هم به اتفاق سپه سالاران و سرشناسان گیلان

به فرح آباد رسید و مبلغ پانصد تومان پیش کش نموده، پایوسی نمود.

میرزای عالمیان، پس از شنیدن این خبر از مشهد روانهٔ فرح آباد شد. شاه-

عباس حقیقت هجده هزار تومان تفاوت تسعیر برنج لاهجان را از او پرسید. میرزا

از پریشانی رعایای لاهجان حرفها زد و از بازیافت این مبلغ انکار بلیغ نمود. شاه

عباس بدو گفت: «میرزا، راه دور طی کرده‌ای، مخبط شده‌ای، برو آسایشی اختیار کن.»

اما دیگر میرزا به درگاه شاه بار نیافت.^۱

ناصرالدین شاه در فرح آباد ساری

ناصرالدین شاه به مقیمی وسط میانکاله رفت و عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی از ناصر آباد مأمور پذیرائی اورپلیانف فرستاده جانشین قفقاز و قدس - وزیر مختار مقیم دارالخلافه - و دیگر مأمورین دولت روسیه شد و به این مقصود روانه دریا گردید. خود شاه ۲۱ ذی الحجه سال ۱۲۸۳ قمری وارد فرح آباد شد. چهار کشتی روسیه در برابر چادر همایونی لنگر انداختند و روز ورود موکب شاهی درخور احترامات سلاطین با اقتدار، از آئین و تزین کشتیها و انداختن توپ سلام و زدن موزیک افتخار کردند. شاه ادیب‌الملک پیشخدمت خاصه را به میان سفاین فرستاد که نسبت به ایشان مراسم شاهانه را ابلاغ نماید. روز دوم ورود ۲۲ ذی الحجه، نمایندگان دولت روس از دریا پیاده شده، به چادر کشیکخانه که ظهیر الدوله برای پذیرائی معین کرده بود، نشستند. پس از آن همگی به هیأت اجتماع در سراپرده مخصوص حضور یافتند. شاه و همراهان به قایقهای روسیه نشستند و به مأموران دولت روسیه که به حضور آمده بودند نشانها دادند که یحیی خان آجودان مخصوص عطا‌بای ملوکانه را با فرامین به میان سفاین برده، تمامی را ابلاغ کرد.^۲

فهرست مطالب کتاب

صفحه ۳-۸	بناها و آثار تاریخی از قلم افتاده مجلد سوم
۳۶-۱۱	بخش یکم: بناها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن
۱۰۵-۳۷	۱- بناها و آثار تاریخی شهر آمل
۱۱۳-۱۰۷	۲- بناها و آثار تاریخی اهلیم رستاق
۱۲۰-۱۱۵	۳- بناها و آثار تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان لیتکوه
۱۳۲-۱۲۱	۴- بناها و آثار تاریخی چلاو
۱۵۰-۱۳۳	۵- بناها و آثار تاریخی دشت سر آمل
۱۵۶-۱۵۱	۶- بناها و آثار تاریخی هرازپی
۱۷۱-۱۵۷	۷- بناها و آثار تاریخی دابو
۱۸۱-۱۷۵	بخش دوم: بناها و آثار تاریخی بابل و اطراف آن
۲۵۳-۱۸۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)
۲۷۴-۲۵۵	۲- بناها و آثار تاریخی مشهدسر (بابلسر)
۲۸۹-۲۷۵	۳- بناها و آثار تاریخی ناحیه جلال ازرك
۲۹۰-۲۸۷	۴- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد بابل
۲۹۸-۲۹۱	۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه بابل
۳۰۶-۲۹۹	۶- بناها و آثار تاریخی مشهدگنج افروز
۳۳۰-۳۰۷	۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی
۳۳۴-۲۳۳	بخش سوم: بناها و آثار تاریخی شاهی و اطراف آن
۳۴۷-۳۳۴	۱- بناها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی آباد)
۳۵۹-۳۴۹	۲- بناها و آثار تاریخی گیلخواران و چپکرو
۳۶۳-۳۶۱	۳- بناها و آثار تاریخی کیا کلا و نوکند کا
۳۷۴-۳۶۵	۴- بناها و آثار تاریخی بالاتجن علی آباد
۳۸۳-۳۷۵	۵- بناها و آثار تاریخی بیشه سر علی آباد
۳۸۹-۳۸۵	۶- بناها و آثار تاریخی بابلکنار و کارکنده
۳۹۴-۳۹۱	۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه سوادکوه

۱- تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۹.

بناها و آثار تاریخی از قلم افتاده

مجلد سوم

پنجاه و شش		از آستارا تا استارباد
۴۰۱-۳۹۵	۸- بناها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه	
۴۱۶-۴۰۳	۹- بناها و آثار تاریخی شیرگاه زیراب سوادکوه	
۴۷۹-۴۱۷	۱۰- بناها و آثار تاریخی ولویی و راستویی سوادکوه	
۴۸۲-۴۸۱	۱۱- بناها و آثار تاریخی لفور سوادکوه	
۵۰۱-۴۸۵	بخش چهارم: بناها و آثار تاریخی ساری و اطراف آن	
۵۷۵-۵۰۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر ساری	
۵۹۶-۵۷۸	۲- بناها و آثار تاریخی رودپی ساری	
۶۱۰-۵۹۷	۳- بناها و آثار تاریخی میانرود و شهرخواست	
	بخش پنجم: بناها و آثار تاریخی خرگوران = اشرف البلاد =	
	بهشهر و حومه آن	
۶۷۱-۶۱۳	۱- بناها و آثار تاریخی شهر اشرف = بهشهر	
۶۷۱-۶۱۸	۲- بناها و آثار تاریخی قره طغان اشرف	
۷۲۵-۶۷۳	۳- بناها و آثار تاریخی پنجهزاره و کلباد اشرف	
۷۴۴-۷۲۷	بخش ششم: بناها و آثار تاریخی ناحیه کوهستانی هزارجریب	
۷۵۰-۷۴۷	۱- بناها و آثار تاریخی شهر یاری چهاردانگه هزارجریب	
۷۵۹-۷۵۱	۲- بناها و آثار تاریخی ناحیه هزارجریبی چهاردانگه	
۷۶۳-۷۶۱	۳- بناها و آثار تاریخی سورتیجی چهاردانگه	
۷۶۸-۷۶۵	۴- بناها و آثار تاریخی نرم آب دودانگه	
۷۷۰-۷۶۹	۵- بناها و آثار تاریخی بنافت دودانگه	
۷۷۲-۷۷۱	۶- بناها و آثار تاریخی پریم دودانگه	
۷۷۸-۷۷۳		
۸۱-۷۸۱	سخنی درباره فهرست جامع	
	فهرست جامع	
۷۸۳- تا آخر کتاب	عکسها خود شماره ترتیب جداگانه دارند و اعداد سرصفحات را در میان هلالیه	
	(پراتز) قرار دادیم نظیر (۵۱) و (۶۶) و (۲۰۰).	

به نام آنکه او نامی ندارد
به هر-نامی که خوانی سر بر آرد

قلعه گلندان^۱

در ص ۴۰۶ مجلد سوم ذکری از راه قدیمی لاسم به نوا است . املا^۲ ،
علفچری برسر این راه است . در این علفچر آثار قلعه‌ای قدیمی به نام
«گلندان» است .

گمبوجی قدیمی

برسر راه لاسم به نوا

پایین قلعه گلندان و پای چشمه‌ای که طرف آبریز نوا است آثار گمبوجی
قدیمی است .

تاریخ صندوق امامزاده احمد رضا

در لاسم

شرحی از صندوق این بقعه در ص ۱۰۴ مجلد سوم آمده است . در بازدید
سال ۱۳۵۴ شمسی این عبارات بر تخته دیگری از بدنه صندوق از پایین به بالا
خوانده شد :

فی تاریخ ماه مبارک ربیع الاول سنه احد عشر وثمانمائه .

۱ - بکسر گاف و فتح لام . ۲ - بفتح الف و سکون میم .

چرم

چاهی در لارجان که مجرمان را در آن می‌آویختند^۲. در ضمن بررسی به‌چنین چاهی برنخوردیم. ظاهراً منظور مؤلف آبشار قلعه شونادشت (شاهان دشت) کنار قلعه ملک بهمن است که جریان آب سنگ را خورده و به شکل چاه در آورده است. داستانهای از آویختن مجرمان و دستگیرشدگان در این آبشار بر سر زبانهاست که پاره‌ای از آنها غیر قابل قبول است.

گمبوج^۳ = گمبگه

بر سر راه اسک به لاسم

بر سر راه اسک به لاسم تقریباً در نیمه راه و نزدیک به سرگردنه، بنائی است از سنگ و گچ به نام «گمبوج» که وضع پناهگاه دارد. (عکس شماره یک) این قسمت از راه چون در روزهای زمستان برف و دمه دارد این بنا را ساخته‌اند تا مکاریان و مسافران بدانجا پناه برند. محلی برای دواب و چهارپایان نیست.

کاروانسرای لار

این کاروانسرا در زمان ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ه. ق) ساخته شده است. رضاقلی‌خان هدایت می‌نویسد:

چون راه افجه بواسطه قتل و تلل بر معابر و مسافر صعب بوده، آن راه را ساختن فرمود و پل بر رود گلندوئک بسته و کاروانسرائی در لار بنا نهاد که عبور و مرور قوافل در داخل تسهیل پذیرد و اگر وقتی موکب فیروزی کوکب شاهنشاهی به تفرج و تماشای آن صوب حرکت فرماید بر متلزمین رکاب زحمت روی ندهد و قریب هشتصد تومان به مخارج این کار رفته^۴.

۳ - خاندان مرعشی مازندران ص ۳۴۷. ۴ - بفتح گاف و سکون میم.

۵ - بضم گاف و باء. ۶ - روضة الصفاى ناصرى ج ۱۰ ص ۲۸۵.

تعمیر راه کتل کبود و سد بلده نور

کتل کبود (= گردنه کهو) میان لار و یالورد نور است و ظاهراً بلده هم سدی برای حفاظت اراضی آن داشته است. صاحب روضة الصفا می‌نویسد:

در تعمیر راه کتل کبود و سد بلده و بعضی مخارج زیاده از یکهزار و پانصد تومان مصارف التناف کرده^۵ [منظور ناصرالدین‌شاه است].

کاروانسرای پای گردنه کبود

برای کاروانسرای پای گردنه کبود لار مبلغ یکصد تومان خرج شده است^۶.

گورستان و مسجدی خرابه

در مرتع پلهار از مراتع نیاک

گورستانی قدیمی و آثار مسجدی در مرتع پلهار است. در این محل ظاهراً آبادانی بوده است زیرا آب را از چشمه‌ای دوردست با گنگ^۷ سفالین بدینجا آورده‌اند. باکنده کاری سطحی می‌توان گنگها را از زمین در آورد. دو سنگ تراش دار که ظاهراً برای سردر مسجد به کار رفته بوده است در این خرابه دیده می‌شود.

خرابه‌های موزون

در مرتع و علف‌چر موزون که میان دو مرتع الیس^۸ و نه‌ای^{۱۱} قرار دارد و حدود آن به سرخ دره و سیه کله سر^{۱۲} و پرده^{۱۳} و نوسر منتهی می‌شود آثار

۷ و ۸ - روضة الصفاى ناصرى ج ۱۰ ص ۲۸۵. ۹ - گنگ بضم گاف تبتوشه های

بلند و باریک که برای نوله‌کشی از راه دور به کار میرفت. ۱۰ - بکسر الف.

۱۱ - بکسر نون. ۱۲ - بکسر سین باهء مختفی. ۱۳ - بفتح پ و دال.

خرابه آبادی قدیمی و سفال فراوان دیده می‌شود. امامزاده‌ای به نام «امامزاده عبدالله» با بنائنی ساده بر بالای کوهی منفرد دیده می‌شود. بنای سابق امامزاده بر اثر افروختن شمع بر صندوق آن آتش گرفت و آقای الله‌داد درخشانی آنرا به شکل کنونی تجدید بنا کردند. پشت امامزاده گورستانی قدیمی است که گورهای آن سمت و جهت دفن اسلامی ندارند.

گنگ کشی و یارک

در نزدیکی موزون در مرتع «ویارک» آثار لوله کشی با گنگ سفالین دیده می‌شود. (عکس شماره ۲) ابتدای این لوله کشی از چشمه‌ایست به نام «گونو» و دنباله آن تا «نوسر» می‌آمده است. نظیر این لوله کشی در کوهستان گیلان یعنی در دیلمان و اشکور نیز فراوان دیده شده است.

پلی قدیمی

بر رودخانه پلور

میان عکسهای آلبوم ناصرالدین شاه، عکس پلی است که رضای عکاس برداشته است. (عکس شماره ۳) در زیر این عکس نوشته‌اند «عکس پل رودخانه پلور که از کوه اسک جاریست از بناهای حاجی میرزا بیک نوکر صدراعظم سابق است روبه جنوب انداخته شد فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۲ اودئیل»^{۱۴} از این پل امروز اثری برجای نیست.

امامزاده حسن رضا

در صفحه ۳۴۷ مجلد سوم زیر عنوان «امامزاده رضا» شرحی درباره این امامزاده نوشته‌ایم. در مردادماه ۱۳۵۶ شمسی که از این بنا دوباره بازدید شد، نکاتی تازه به نظر رسید که در اینجا شرح داده می‌شود:

نام این امامزاده ظاهرآ حسن رضا بوده است و ما در مجلد سوم به نام

۱۴ - عکس شماره ۱۲۶۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه.

امامزاده رضا ضبط کرده‌ایم. (عکس شماره ۴) در خواندن کتیبه‌های در وردی یکی دو اشتباه روی داده است که در اینجا اصلاح می‌گردد:

بر پاسار سمت راست بالا، عبارات زیر حک شده است:

عمل استاد مرزاعلی ولد مشهدی رمضان قصرانی

بر پاسار بالای سمت چپ:

بتاریخ دهم شهر ربیع الاول هزار و دوست و نود و دو ۱۲۹۲ کتبه

عبدالله قاضی.

در گورستان اطراف بقعه درختان آزاد و موزی و شمشاد و انار است

محیط تنه درختان آزاد به ۳۶۳ و ۴۰۰ و ۵۰۸ سانتیمتر می‌رسد.

کسانی که در شکل شاه در بند بریده

حجاری شده‌اند

در ص ۴۵۲ مجلد سوم نوشته‌ایم: «در شکل شاه (عکس شماره ۵)

ناصرالدین شاه در وسط بر اسب سوار است و پنج تن از درباریان طرف راست

و پنج تن طرف چپ او حجاری شده‌اند.» در عکسی که از شکل شاه در آلبوم

ناصرالدین شاه یافتیم^{۱۵} بالای سر این ده تن القاب یاسمت آنان را با قلم ریز و خط

شکسته به این ترتیب نوشته‌اند: در وسط بالای سر ناصرالدین شاه: تمثال بیمثال

همایونی.

۱ - نواب وجیه‌الله میرزا

۲ - مقرب الخاقان آجودان مخصوص (رضاخان اقبال السلطنه عکاس باشی)^{۱۶}

۳ - وزیر فواید (حسنعلی خان امیر نظام گروسی)

۴ - جناب سپهسالار اعظم (میرزا حسین خان سپهسالار)

۵ - جناب آقا (میرزا یوسف خان مستوفی الممالک)

۱۵ - عکس شماره ۱۶۶۴۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه.

۱۶ - آنچه داخل دو هلال است برای شرح و توضیح بیشتر افزوده شده است.

بخش یکم
بناها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن

- ۶ - آقای نایب السلطنه (کامران میرزا)
- ۷ - اعتضاد السلطنه (علیقلی میرزا)
- ۸ - جناب عضد الملک (علیرضاخان)
- ۹ - جناب امین الملک (علی خان)
- ۱۰ - مقرب الخاقان مهدیقلی خان (مجدالدوله)

مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی آمل

شهر آمل در سال ۱۳۷ هجری به دست مسلمین افتاد. *

در زمان تاج الدوله یزدجرد بن شهریار بن اردشیر بن کیخوار که در مازندران حاکم و پادشاه بود، در شهر آمل و نواحی هفتاد پاره مدرسه عامر و بر کار بود. **
شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر المقدسی جغرافی نویسنده بنام، از آمل یاد کرده است. و درباره بیمارستان و مسجد قدیمی و مسجد نو این شهر شرحی نوشته است و می نویسد که هر دو مسجد رواقی بزرگ دارند و درباره بازرگانان آمل می نویسد تجارت پر رونقی داشته اند. ***

ابوالفدا متوفی در ۷۳۲ ه. ق، در تقویم البلدان که به سال ۷۲۱ ه. ق تألیف کرده است، مطالب زیر را در کتاب خود، نقل از جغرافی نویسان پیش از خود درباره آمل آورده است:

آمل قصبه طبرستان و از قزوین بزرگتر است. بسیار آبادان است و بناهای آن کهنه ترین بناهای این نواحی است.^۱
احمد کاتب گوید:

«آمل بر ساحل بحر دیلم است.»^۲

* - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ . ** - تاریخ رویان ص ۱۵۵
*** - احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ذیل اقلیم دیلم ص ۳۵۹ .
۱ - قانون مسعودی به نقل از تقویم البلدان ص ۴۳۵ . ۲ - تقویم البلدان ص ۴۳۵

مهلبی گوید :

«از آمل تا چالوس که برکنار دریاست نه فرسنگ است.»^۳

یاقوت گوید :

آمل شهری است در طبرستان که در دشت قرار دارد^۴.

«آمل بزرگترین شهر طبرستان و ابوجعفر محمد بن جریر طبری از آنجا برخاسته است.»^۵ «ابوجعفر محمد بن جریر طبری اهل آمل است که در سال ۳۱۶ هـ . ق . وفات یافت.»^۶
حمدالله مستوفی گوید :

«آمل از اقلیم چهارم باشد . طهمورث ساخت . شهری بزرگ است و هوایش به گرمی مایل و مجموع میوه‌های سردسیری و گرمسیری از لوز و جوز و انگور و خرما و نارنج و ترنج و لیمو و مرکب و غیره فراوان باشد.»^۷

سهراب می‌نویسد :

مدینه آمل قرب البحر عرك لرمه^۸.

فاصله آمل از سایر شهرهای مازندران

از نظر اصطخری

از آمل تا مامطیر (بابل امروز) یک منزل - از مامطیر تا ساری یک منزل
از راه ترجی با اینکه کوتاهتر است فاصله را تعیین نکردم ، راه طولانی‌تر را آوردم . زیرا در این راه دوشهر با مسجد جامع است .

راه آمل به دیلمان

از آمل تا ناتل یک منزل - از ناتل تا چالوس یک منزل سبک - از چالوس

۳ - تقویم البلدان ص ۴۳۵ . ۴ - المشترك ص ۶ . ۵ - معجم البلدان ذیل آمل .

۶ - نسخه عکسی ترجمه ملکوف ص ۱۰۰ . ۷ - نزهة القلوب ص ۱۶۰ .

۸ - عجایب الاقالیم السبعه ص ۳۳ .

تا کلار یک منزل - از کلار تا دیلمان یک منزل .

راه آمل به دریا

از آمل تا عین‌الهم یک منزل سبک^۹ .

بنای شهر آمل

حسن بن اسفندیار ، صاحب تاریخ طبرستان ، درباره بنای شهر آمل چنین نوشته است :

مهندسان بیامدند و بنیاد شهر بدین موضع که «استانه‌سرای» می‌گویند فرو نهادند و اول آن جایگاه را «ماته» گفتندی . این ساعت (۶۰۶ هـ . ق) مسجد جامع است و چشمه‌ای آب بود که مستتبط او به کوه و لذا او امید بود در عهد یزدادی اندکی از آن آب ظاهر بود پس مقصوره . آبی خوش و خنک و جاری چنانکه به چلاوه سر چهارپایان را آب از این جوی دادند و چون شهر را بنیاد نهادند ، باروی حصار از خشت پخته کردند ، چنانکه سه سوار همبر رفتندی و خندق ژرف گرداگرد شهر بسزدند . عمق سی‌وسه ارش به ارش مساحان و عرض یک‌تیر پرتاب و قعر یک بدست و چهار دربر این حصار نهادند : باب جرجان ، باب گیلان ، باب الجبل ، باب البحر خواندندی و مساحت شهر چهارصدگری زمین بود . سالها بر این قرار بماند و قصر آمله که زن فیروز بود اینجا که این ساعت (۶۰۶ هـ . ق) کوچه گازران می‌گویند پس رسته بزازان بود و دخمه نیز همانجا است . به عهد ملک سعید اردشیر ، خالک‌شویان دویزه بالای ، آن زمین فرو رفته بودند و عمارت بسیار ظاهر شده و دخمه و گور بادید آمده . فی‌الجمله عمارت شهر در مدت حیات فیروز بر این قرار بماند .

۹ - مسالك الممالك ص ۲۱۷ .

چون او درگذشت و پسرش خسرو بنشست، در تحصین و عمارت مبالغت نمود و بیرون از خندق قصرها ساخت و دارالملک خود کرد تا از اطراف مردم رغبت و وطن بدو کردند و اکابر و ملوک برای جوار پادشاه، باغ و سرای و بازار و مستغل بنیاد نهادند. حصاری دیگر از گل بفرمود کردن و گرداگرد این عمارات نوکشید. مابین السورین را ربض گفتندی و هرچه بیرون سورگل بود، زهق. در قباله‌های کهن این ذکر بسیار یافتیم نوشته. معنی آمل به لغت ایشان آهوش است و هوش و مل مرگ را گویند و بدین کنایت است از آنکه ترا مرگ هرگز مباد^{۱۰}.

آمل در ابتدای قرن یازدهم هجری

توماس هربرت در سال ۱۰۳۶ قمری آمل را دیده و درباره آن نوشته

است:

«آمل در دشت وسیعی بنا شده است که منظری بغایت دلپسند و خاکی بسیار حاصلخیز دارد. امروزه شهری است آباد، اما در گذشته بمراتب آبادتر بوده است، چه ویرانه‌های کنونی به خوبی حکایت از آن عظمت گذشته می‌کند. این شهر از بسیاری از نقاط دیگر که دیده‌ام زیباتر است و حصار و باره شهر از لحاظ زیبایی و استحکام در سراسر ایالت مازندران نظیر ندارد. آنچه بر استحکام شهر می‌افزاید، خندق ژرفی است که دورتادور شهر ایجاد کرده‌اند و در آن آب انداخته‌اند، بطوریکه تنها راه ورود به شهر، پلی است که طبق دلخواه، آن را از روی خندق بلند می‌کنند و فرود می‌آورند و به این نحو مردم آمل خود را از هجوم همسایگان و سایر مهاجمان کوه‌نشین محفوظ می‌دارند. . . . عالیترین بنای شهر مسجد

جمعه است و می‌گویند که در اینجا چهارصد و چهل و چهارتن از ملوک و پیامبران مدفونند و عامه مردم برای این گونه مقابر حرمت فراوان قائلند. . . . هنگامی که من به این مسجد گام نهادم، مؤمنین به خواندن قرآن مشغول بودند^{۱۱} با آنکه غریبه بودم و لباس ملی خویش را برتن داشتم، هیچکس با تعجب به من نگاهی نکرد و همه همچنان به خواندن ادامه دادند تا آنکه کار خود را تمام کردند. و دیدنیهای آن محل را که می‌پنداشتند ممکن است مقبول نظر بیگانه‌ای افتد، به من نشان دادند. . . .»^{۱۲}.

آمل از نظر هنوی

هنوی درباره آمل می‌نویسد:

پل هزار یکی از باشکوه‌ترین پل‌های این زمان است و همه ساکنان آمل معتقد بودند که اگر حاکم یا صاحب منصبی سواره از روی آن پل عبور کند، اگر نمی‌مرد، دست کم بزودی از عنوان و مقام خویش محروم می‌شد. دژی که سال در این شهر است که متناسب‌تر و محکمتر از آن دژی در ایران نیست. دیوارهای آجری دژ بسیار پهن بود و مردم محل، تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از عهد نادر می‌دانستند و معتقد بودند که از آن تاریخ به بعد، این دژ هر دو بیست سال یکبار مرتباً تعمیر می‌شده است.

در نزدیکی آمل کانه‌های سنگ آهن فراوان وجود دارد و به فرمان نادر شاه آنجا را مهمترین مرکز ریخته‌گری و ذوب آهن کرده‌اند، چنانکه همه گونه گلوله توپ و تفنگ و نعل اسب برای

۱۱ - ظاهراً نماز می‌خوانده‌اند نه قرآن.

Herbert, Thomas : Travels in Persia 1627-1629, P. 180. - ۱۲

به نقل از جنرفایای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۱۲.

اسبان سوار نظام تهیه می‌شد و حتی در همین سال (۱۱۵۴ ه.ق) خیال داشتند که در این کارخانه‌ها به ساختن لنگر برای نیروی دریائی ایران پردازند^{۱۳}.

آمل از نظر فریزر

در سال ۱۲۳۸ ه.ق = ۱۸۲۲ م.

نزدیک آمل شدم بر زمین زیبائی بنا شده است، رودخانه‌ای دارد که روی آن پلی مجلل با دوازده دهانه است. معروف است که هر رئیس از این پل سواره بگذرد از شغل خود مستعفی خواهد شد یا کارش به مرگ خواهد انجامید و مردم عادی اگر پیاده عبور نکنند به بدبختی گرفتار خواهند شد. در اینجا خرابه‌های قلعه‌ای قدیمی دیدم که بسیار مستحکم بود. این قلعه مهمتر از هر قلعه‌ای بود که من در ایران دیده‌ام. دیوارهای آن از آجر بود و ضخامت زیاد داشت. می‌گفتند از زمانی که ساخته شده است، هر دوست سال یکبار مرمت می‌شود. معروف بود که این قلعه چهار هزار سال پیش ساخته شده است. یقیناً این شهر یکی از شهرهای ایران قدیم بوده است و سران این کشور زیاد به آن اهمیت می‌داده‌اند در اینجا کاخی است که از سنگ ساخته شده است و شاه‌عباس اغلب در آن زندگی می‌کرده است. دوطبقه دارد که مسلط بر منظره‌ای زیبا است محلی راحت است و هوائی خنک دارد. باغ اینجا از نظر بلندی درختان سرو قابل توجه است^{۱۴}.

۱۳ - Hanwey, J. : An Historical Account of the British Trade Over the Caspian Sea Vol I P. 292

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۲۴.

۱۴ - Fraser, J.B. : Travels and Adventvres in the Persian Provinces on The Southern Banks of the Caspian Sea. Part 3, Chap. 42, P. 195.

آمل از نظر ابت در سال

۱۲۵۹ ه.ق = ۱۸۴۳ م.

به شهر آمل نزدیک شدیم. چهار بنا با بام مخروطی دیده می‌شود که باید گور باشد ولی زیاد قدیمی به نظر نرسید. نظری به این آبادی مرا به این نتیجه رسانید که چیزی در این محل نیست که مرا بیش از یک شب در آنجا نگاه دارد. خرابترین شهری است که تا حال دیده‌ام. فضای زیادی را اشغال کرده بود اما سکنه‌ای نداشت. جمعیت این شهر به پنج هزار نفر می‌رسد. بازار کوچکی دارد که تجاری کم‌مایه به کسب مشغولند و وسایل معمولی زندگی روزمره را می‌فروشند. چون از راه تجاری گیلان و بارفروش (بابل امروز) برکنار است، تجارتش اهمیتی ندارد. خانه‌ها و دیوارهای حیاطها از آجر است و بامها از سفال یا گالی است. شهر برکنار چپ ساحل هراز است و پس از آن پل دوازده پله این محل است. رودخانه هراز اگر پر باشد صدوهشتاد یارد پهنای آن است. هنوی خرافه‌ای درباره پلی که در زمان او در این نقطه بوده می‌نویسد که هر کس سوار بر اسب از آن بگذرد، بدبختی برای خود خریده است. درباره پل جدید که بعداً ساخته شده است مردم چنین عقیده‌ای ندارند زیرا افرادی را دیدیم که سواره از روی آن می‌گذشتند.

بنای مهمی که در آمل قابل ذکر است، بنای میربزرگ است که مردی زاهد و پرهیزگار بوده است. فریزر می‌نویسد که او پانصد سال پیش زندگی می‌کرده مقام او به جائی رسید که سرسلسله سادات مرعشی شد و بازماندگان او صدوشصت سال سلطنت داشتند. این بنا زمانی زیبا بوده است و الحال روی در خرابی دارد. بنای آن منسوب به شاه‌عباس است. گور او بسا صندوقی کنده کاری پوشیده شده است. ولی بنا، چیزی قابل وصف ندارد. در جنوب آمل ناحیه علی شهر رود است.

در نور آهن و ذغال سنگ است و آهن را دولت برای گلوله توپ

می‌خواهد. آمل چهار بلوک دارد: آمل، لیتکوه، دابو، اهل‌رستاق و بعضی اوقات این چهار بلوک را از نواحی نور می‌دانند. دابو را گاهی از هردو جدا می‌کنند. لاریجانها همسایه نوریها هستند و عباسقلی‌خان سردار سرکرده ایشان است.^{۱۵}

آمل از دیدگاه هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق.

ویلیام ریچارد هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق شهر آمل را دیده و درباره آن نوشته است:

«... آمل اکنون شهری است بغایت ویران که از هرسویش درودیوار شکسته به چشم می‌خورد. خانه‌ها اکثراً از آجر ساخته شده، اما در بسیاری نقاط این آجرها فروریخته و به شکل تلهائی از زباله درآمده است. معابر شهر بسیار کثیف است و پهای عابر تا زانو در گل ولای فرو می‌رود... ناحیه آمل و همچنین شهر آمل که مثل سایر نقاط ایالت مازندران بر اثر واگیری طاعون سال ۳۲ - ۱۸۳۱ م (۱۲۴۷ ه. ق.) بکلی خالی از نفوس شده، هرگز از آن ضربت کمر راست نکرده است.^{۱۶}

آمل از نظر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

آنچه در تاریخ طبرستان میرظهرالدین و تاریخ رویان مولانا اولیاءالله آملی درباره بنای آمل ذکر کرده و آمله دختر اشتاد را بانی آن می‌داند به نظر جنبه افسانه‌ای آن بیشتر است.

آمل درسی و شش درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی است و طول شرقی

۱۵ - Abbott, K. E. : Narrative of a Journey From Tab iz Alenḡ the Shores of the Caspian sea to Tehran. P. 33.

۱۶ - Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian. P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴.

آن از پاریس پنجاه درجه و سی دقیقه است. مسعودی گوید آمل در دوطرف رودخانه ساخته شده است و در وسط رودخانه جزیره ایست که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در یک طرف آن جزیره بنا شده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به خشکی است.

اهالی آمل مرکب‌اند از مسلمان، یهودی، عیسوی، گبر، پادشاه این شهر و جمیع رجال دولت و خواص او یهودی مذهبند. چرا که از اهل خزر می‌باشند و مذهب یهودی در مملکت خزر متداول است. از اهالی روس هم در آمل مسکن دارند و در یکی از محلات خارج شهر به آنها جا داده شده و رسم ایشان اینست که اموات خود را به سبک‌هندو می‌سوزانند. بعلاوه مردی که می‌میرد، مال سواری و اسلحه و زینت او باید با او بسوزد و اگر زن بمیرد نیز شوهر او را با او بسوزانند و اگر مردی بمیرد زن نگرفته باشد، به اهالی محله اطلاع می‌دهند که کدام زن است که میل رفتن بهشت را داشته باشد و به این واسطه به این مرده شوهر کند. هر که مایل شد و به مرده شوهر کرد، با آن مرده او را آتش می‌زنند و عقیده آنها اینست که این دو باهم در بهشت می‌روند.^{۱۷}

آمل در سمت غربی رود هراز ساخته شده. در دوست سال قبل سه هزار خاله داشته در حوالی آمل معدن آهنی است بسیار مفید و آهن زیاد در سوابق ایام از آن عمل می‌آورده‌اند. این شهر مولد ابوجعفر محمدبن جریر صاحب تفسیر و تاریخ مشهور است که در سنه ۲۲۴ متولد شد. در شوال ۱۲۹۲ با اردوی مبارک همایون که مؤلف به مازندران سفر کرده بود، به آمل رسید. در یک روز توقف آنجا آنچه معلوم شد اینست. شهر آمل خیلی پرجمعیت است بخصوص در فصل زمستان شش ماه از سال را اهالی این شهر به دره لاریجان بلکه به دماوند و فیروزکوه به بیلاق می‌روند. و شش ماه دیگر را در آمل می‌باشند. دوست سال قبل اگر سمت غربی رودخانه هراز آباد بود، در این وقت سمت شرقی نیز آباد است. از دوسه نفر شنیدم که خرابه‌های زیادی که به اصطلاح

۱۷ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۵ و ۶.

خودشان آثار گبری می‌نامند، در حوالی شهر آمل زیاد است. هنگامی که لشکر مغول، سلطان محمد خوارزمشاه را تعاقب می‌کردند، این شهر را قتل‌عام نمودند. شخصی نقل می‌کرد که هر که در آمل خانه می‌خواهد بنا نماید، به هیچوجه محتاج به ابتیاع مصالح نیست. زمین را می‌خرد و در کندن پی و بنیان آنقدر آجر کهنه به دست او می‌آید که به هیچوجه محتاج به خریدن مصالح خارجی نمی‌شود^{۱۸}.

آنچه رابینو درباره آمل در سال ۱۳۳۱ قمری نوشته است

رابینو در سفرنامه خود شرحی درباره آمل با استفاده از منابع فارسی و عربی نوشته است و ما در اینجا به نقل آن می‌پردازیم.

آمل^{۱۹} بوسیله آمله زن فیروزشاه که بلخ پایتخت او بود تأسیس گردید. آمله ابتدا پای دشت را که بعدها «شهرستانه مرز» نامیده شد به قصد بنای شهر انتخاب کرده بود ولی چون آوردن آب هراز به این مکان امکان نداشت، شهر را در محل فعلی بنا کردند که در آن وقت به «ماته» و بعدها به «آستانه سرای» معروف شد. دیوار شهر از آجر و باخندقی به عمق ۳۳ ذرع محدود شده بود. عرض خندق یک تیر پرتاب بود. حصار شهر دارای چهار دروازه بود به قرار ذیل:

دروازه گریان - دروازه گیلان - دروازه کوهستان - دروازه دریا. قصر آمله نزدیک کوچه گازران و پشت بازار بزازان بوده مقبره او نیز در همین جا ساخته شد.

وقتی که خسرو پرویز به سلطنت رسید، شهر آمل را بسیار توسعه داد و آنجا را پایتخت و اقامتگاه خود ساخت و دور دیوار اصلی دیواری از گل برپا کرد.

در زمان فرمانروائی اسپهبد خورشید وقتی که عمر بن العلاء

۱۸ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶ . ۱۹ - ایرانشهر مارکوارت ص ۱۳۶ .

از جانب مهدی - فرزند مأمون خلیفه عباسی - به فرماندهی لشکر مسلمین به طبرستان آمد، مردم آمل به دین اسلام درآمدند. عمر بن العلاء این شهر را بنا بر قول ظهیرالدین در سال ۱۳۷ هجری و یا به قول ابن اسفندیار در سال ۱۴۰ هجری تصرف کرد و آمل پایتخت حکام خلفا در طبرستان شد.

خالد بن برمک که به حکومت مازندران منصوب شد، در سال ۱۵۰ هجری در محلی که به نام او «خالدسرای» نامیده شد، اقامت گزید و برای خود قصری هم در آمل ساخت. گفته اند که مسجد جامع معروف به «مسجد طشته زنان» بوسیله مالک بن الحارث الاشرانخی که مصاحب حسن بن علی علیه السلام در سفر مازندران بود، ساخته شد. اما ظهیرالدین با این نظریه موافق نیست و می‌گوید مسجد مزبور بوسیله شخصی از پیروان مذهب مالکی بنا گردید و اولاد او تا زمان ظهیرالدین هنوز در لار قصران بودند و هر سال برای تعمیر مسجد به آمل می‌آمدند. در بقعه مشهور به «لله پرچین» قبرهای مشایخ و سادات ایشان واقع است. مردم آمل که اسلام آورده بودند، ابتدا مذهب مالکی داشتند و بیشتر آنها تا زمان داعی الکبیر در این مذهب باقی بودند. در این موقع شیعه شده‌اند و نام دشت معروف به «مالک دشت» از عبدالله بن مالک نام گرفته نه از مالک اشتر.

مسجد جامع آمل در زمان هارون الرشید به سال ۱۷۷ هجری بوسیله ابراهیم بن عثمان بن نهیک بنا شد و عبدالملک بن ققاع که در سال ۱۷۹ هجری به حکومت مازندران منصوب گردید، دیوارهای آمل را تعمیر کرد. بعد از او عبدالله بن حازم در آنجا خانه و سرایی به پا ساخت و آنرا «حازمه کوی» نامید که یکی از محلات شهر است. محمد بن موسی - نماینده مأمون - در آمل مدت هشت ماه بوسیله اسپهبد مازیار در محاصره بود. وقتی که شهر تسخیر گردید،

مازیار امرداد حصارها را خراب کردند. ولی بعد از چندی خود او قلعه‌های آمل و ساری را تعمیر کرد و کوشید که خود را از قید اطاعت خلیفه آزاد سازد.

ابن اسفندیار نقل می‌کند که در آمل عده‌ای بودند که حسن بن زید از وفاداری ایشان ظنین شده بود و آن عده در زمان طاهریان صاحب‌مقام و منصب بودند و با مذهب حسن بن زید هر چند ظاهراً موافقت داشتند ولی در باطن مخالف بودند. بنابراین حسن بن زید از راه تدبیر تمارض کرد و بعد خبر مرگ خود را انتشار داد و امر به تهیهٔ اسباب تشییع جنازه نموده بود و آن عدهٔ مخالف پرده از کار خود برداشتند و حسن بن زید ایشان را محاصره کرد و همه را در مسجد جامع آمل به قتل رسانید و اجساد آنها را در گوشهٔ گودالی در قسمت شرقی مسجد السداخت که آنجا تا زمان ابن اسفندیار «مزار شهدا» خوانده می‌شد. سپس حسن بن زید امر داد در محلهٔ راست کوی بقعه و گنبد بزرگی برای او ساختند که تا زمان ظهیرالدین برقرار بود. مولانا اولیاءالله آملی نوشته است که در زمان کودکی او این بنا در شرف ویرانی بوده و در آن تابوت چوبی منقوشی وجود داشته است و جدار آن پله‌هایی داشت که تا بالای گنبد می‌رسید و هفتاد ده آمل و باغها و مزارع و حمامها و دکانها برای نگاهداری آن بنا وقف شده بوده است.

در سال ۳۰۷ هجری حسن بن قاسم داعی الصغیر در محل مصلی ۲۰ نزدیک آمل قصری داشت و برای سرداران خود نیز عماراتی نزدیک کاخ خود ساخت تا آنها در شهر ساکن نشوند و باعث زحمت سکنه نگردند.

۲۰ - محل مصلی جای هلال احمرایران امروز و محل کتابخانه عمومی شهر است و سر پل مصلی تا امروز (سال ۱۳۵۶ شمسی) بر سر زبان اهالی است.

قبر ابوعلی محمد بن حسن در محلهٔ راست کوی مقابل گنبد بوده است.

بنا به اظهار ابن حوقل آمل در زمان او بزرگتر از قزوین و بسیار پرجمعیت بود.

مقدس‌سی تعریف می‌کند که این شهر يك بیمارستان و دو مسجد داشت یکی مسجد کهنه که در میان درختان در بازار و دیگر مسجد نو که نزدیک حصار شهر بود و هر دو مسجد رواقی بزرگ داشته‌اند، بازرگانان آمل تجارت بسیار می‌کردند^{۲۱}.

این شهر را لشکر سلطان محمود غزنوی غارت کردند (جنادی - الاول ۴۲۶ هجری) استنادار کیکاوس هم آمل را محاصره کرد و قصر اسپهبدشاه غازی رستم (۵۳۳ - ۵۵۸ هجری) را که در قره کلاته بود آتش زد.

در سال ۶۰۶ هجری که اعیان طبرستان به اطاعت جلال‌الدین خوارزمشاه درآمدند در آمل به نام او خطبه می‌خواندند و از آنجا خراج سالانه به خوارزم می‌فرستادند. این پرداخت سالانه بواسطهٔ فوت علاء‌الدین محمد در سال ۶۱۷ هجری قطع شد و این موقعی بود که مازندران میدان تاخت و تاز لشکر خانمانسوز مغول شده بود.

حسام‌الدوله اردشیر بن کینخوار که در سال ۶۳۵ هجری بر ضد مغولها شورید پایتخت را از ساری که آل باوند آنجا را مقر دائمی خود ساخته بودند به آمل که کمتر در معرض تاخت و تاز بود انتقال داد. در آنجا وی در خراطه کلاته در کنار رود هراز قصری ساخت که در سال ۸۸۰ هجری هنوز مقر فرمانداران آمل بود و در زمان ملك تاج‌الدوله یزدجرد بن شهریار بن اردشیر باز آمل شهری آباد

۲۱ - احسن‌التقسیم فی معرفت‌الاقالیم ذیل اقلیم دیلم ص ۳۵۹.

شد که هفتاد مدرسه داشت. در بیرون شهر، دشت بوران بود که در آنجا قراکلاته قصر پادشاه مازندران قرار داشت.

چندی بعد یعنی در سال ۷۴۳ هجری در آمل ناخوشی و بنا بروز کرد و بسیاری از افراد خاندان باوند و زن و فرزند فخرالدوله - حسن از آن مرض مردند فقط او و دو تن از پسرانش زنده ماندند. در سال ۷۵۰ هجری باز ناخوشی و با آمد و تمام افراد خاندان باوند که در آمل می‌زیستند از میان رفتند و از خاندان چلاویها فقط کیا - افراسیاب و پسران او جان به سلامت بردند، در سال ۷۹۵ هجری امیر تیمور آمل و ساری را غارت کرد و امر به قتل سکنه داد و اسکندر شیخی را که مردی منفور بود به حکومت آنجا تعیین کرد. بنا بر این در حالیکه ساری به زودی رو به آبادی نهاد آمل به صورت ویرانه باقی ماند. سادات مرعشی پس از بازگشت از تبعید، دوباره آمل را تجدید بنا کردند ولی از آن موقع دیگر آمل نقش مهمی در تاریخ ایران نداشته است.

گملین که در سال ۱۱۸۵ هجری از آمل گذشته می‌نویسد «معلوم می‌شود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران بیشتر استحکام داشته زیرا ارگ آن خصوصاً هنوز موضع مستحکم خوبی است و برج و باروهای آن که از هر سو آن را جهت دفاع آماده ساخته، سالم و پایدار است.»

سکنه آمل از ده طایفه تشکیل شده‌اند: اسکی، ایرانی، هاشمی، نیاکی، شون دشتی، دلارستانی، مشائی، آملی، نوری، عده کمی نیز بربری و بنکشی در آنجا هستند. شهر نه محله دارد به این شرح:

- ۱ - چاه سرکه رودگر محله جزء آن است و یک حمام دارد.
- ۲ - پل به‌یور اقامتگاه قبیله ایرانی که مسجدی به نام مسجد ایرانیها

دارد که همان مسجد روحیه سابق است و مسجدی دیگر که آقا عبدالکریم نام ساخته است. هارون محله که قسمتی از محله پل به‌یور است یک حمام و مدرسه کوچکی دارد. ۳ - گرجی محله که آسیاب سر یا آبدنگ سر می‌نامند. امامزاده ابراهیم در این محله واقع است و مسجد گرجی محله فعلاً خرابه است و آب انباری دارد که در سال ۱۳۱۶ هجری بوسیله امیر مکرّم ساخته شده و بقعه معروف میر بزرگ و یک آب انبار قدیمی که شاه عباس بنا کرده و سبزمیدان و خرابه‌های باغ و قصر شاه عباس نیز در این محله واقع است. چهارم - محله مسجد جامع که دارای یک مسجد خیلی کهنه و حمامی به نام «آقاعباسی» است. پنجم - شون دشتی محله یا محله هاشمی با مسجد هاشمی و آب انبار و حمام یوسف خان که اکنون ویرانه است. ششم - آملی محله یا پایین بازار بایک تکیه و آب انبار و امامزاده معصوم و حمام اشرف سلطان. هفتم - نیاکی محله با تکیه و مسجد میرزا محمد علی و یک حمام نو. هشتم - اسپه کلامحله با تکیه اسکی‌ها و حمام رفیع خان یاور. نهم - مشائی محله بایک حمام و یک تکیه. دهم محله دیگر راهم می‌توان نام برد: یکی بربری محله یا بربری خیل و دیگر بنکشی خیل که هر دو به نام درویش خیل محله معروفند.

گورک محله، باغبان محله، خوش‌واش محله و اودشت محله و گالش خیل که ملگنوف نام برده، بی‌شک جزء محلات مزبور اند. درباره محله تجنه‌جار که مسجد گلشن در آنجا بوده است اطلاعی نیافتیم. گملین در سال ۱۱۸۵ گفته است که آمل هشت محله از قرار زیر داشته است:

مشائی محله، رودگر محله، چناربن، کهنه مسجد،

آهنگر محله ، کاردی محله ، درزی محله ، باجلو ۲۲

محلات آمل در زمان ملگنوف

چاکسر - تیجن جار - گلشان ۲۳ - پل به یور - آسیاسر - اودنگ سر
گیریلی خیل ۲۴ - کاروانسرا محله - آب انبار محله - گلیا کیش محله ۲۵ -
گورگ محله ۲۶ - باغبان محله - خوش واش محله - مهدی خیل محله - اودشت محله -
درویش خیل محله - کلش خیل محله ۲۷ .

نام بیشتر این محلات امروز تغییر کرده و محلات تازه ای جایگزین محلات
سابق شده اند . نامهای امروزی از این قرار است :

اسپی کلا - رضوانیه - گرچی محله - قادی محله - نیاکی محله - پائین
بازار - کاردگر محله یا کاردی محله - چاکسر ۲۸ - مشائی محله ۲۹ - کاشی محله -
خاور محله - هارون محله - نوآباد - بربر خیل - پینه کت ۳۰ - سکنه کتی ۳۱ .

مدفونین در آمل

ابوالقاسم الحسین بن محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن شجری

یحیی الواعظ الزاهد بن الحسن بن ابی عبدالله محمد بن عبیدالله الامیر بن
عبدالله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن . اولاده : ابوعلی الحسین و علی
و الحسن کوچک فیما ظن اسمه الحسین و احمد ابو زید و ابو زید ایضا .

حسن بن خلیفه بن ابراهیم بن الحسن بن محمد بن سلیمان بن داود بن

۲۲ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو صفحات ۵۷ تا ۶۲ .

۲۳ - بضم گاف . ۲۴ - ظاهراً گرایلی خیل . ۳۵ - ترکیب این نام روشن
نیست . ۳۶ - بکسر راء . ۲۷ - ظاهراً « گالش خیل محله » ملگنوف صفحات
۱۶۳ تا ۱۸۵ درباره آمل . ۲۸ - بکسر کاف . ۲۹ - بضم میم .

۳۰ - بضم کاف . ۳۱ - بفتح سین و کاف و ضم کاف دوم .

الحسن بن الحسن . عقبه : ابوالحسن علی الکوشی و قال ابن طباطبا «الکوسج» و
ابو عبدالله محمد القاضی و قیل هو ابوالحسین و ابراهیم و ابوالقاسم و ابو عبدالله
محمد یعرف بخلیفه و قال السید الامام النسابة المرشد بالله ذی الشرف اظن اسمه
الحسن .

جعفر بن عبدالرحمن بن القاسم بن محمد البطحانی بن القاسم بن الحسن بن
زید بن الحسن بن علی بن ابی طالب . عقبه بآمل : ابوالحسین احمد بن جعفر بن
احمد بن محمد بن عبدالرحمن الشجری بن الحسن بن محمد البطحانی بن القاسم بن
الحسن بن زید بن الحسن . عقبه : الرضا و ابوعلی مهدی و ابوالحسین علی و
ابو محمد الحسن و زید و خلیفه و ملکه و سیده .

ابوعلی داود و هو النقیب النسابة بن احمد بن علی بن عیسی بن محمد
البطحانی بن القاسم بن الحسن بن زید بن الحسن . عقبه : ابو عبدالله الحسین
و ابوالقاسم احمد ۳۲ .

مدفونین در آمل از کتاب مجالس المؤمنین

حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل حالب الحجارة بن حسن بن زید بن حسن -
مجتبی ۳۳ .

محمد بن زید بن محمد بن اسماعیل حالب الحجارة بن حسن بن زید بن
حسن مجتبی ۳۴ .

حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن الشجری در روز سه شنبه

۳۲ - منتقلة الطالبین در ذیل آمل . ۳۳ - مجالس المؤمنین ص ۱۱۷ و ۱۱۸ .

۳۴ - مجالس المؤمنین ص ۱۱۸ .

چهاردهم رمضان سال ۳۱۶ به آمل آمده است.^{۳۵}

حسن الاطروش بن علی بن عمر الاشرف بن امام زین العابدین علیه السلام حسن در سال ۳۰۴ در آمل فوت شد. قاضی نورالله ششتی صورتی از کتب و آثار او را نقل کرده است.^{۳۶}

مدفونین در آمل از سادات مرعشی

سید ظهیرالدین فهرستی از نامهای سادات مرعشی مدفون در آمل را در کتاب خود آورده است.

- ۱ - سیدعلی بن سیدقوام الدین^{۳۷}.
- ۲ - سید عبدالمطلب بن سید رضی الدین^{۳۸}.
- ۳ - سید علاءالدین بن سیدرضی الدین^{۳۹}.
- ۴ - سید قوام الدین بن سیدرضی الدین^{۴۰}.
- ۵ - سید مرتضی بن سیدرضی الدین و پسرش سید شمس الدین^{۴۱}.
- ۶ - سیدمرتضی و سید اسدالله بن سیدحسن بن سیدرضی الدین^{۴۲}.
- ۷ - سیدعلی بن سیدافضل بن سید رضی الدین^{۴۳}.
- ۸ - سید فخرالدین بن سیدقوام الدین در آمل دفن است و سادات اهلهم نبیره او هستند^{۴۴}.
- ۹ - سید نصیرالدین بن میرقوام الدین و پسران او سیدفضل الله و سید ظهیر الدین^{۴۵}.
- ۱۰ - نبیره سید ظهیر الدین بن میرقوام الدین^{۴۶}.
- ۱۱ - میرعبدالعظیم بن سیدزین العابدین در آمل درین درختی دفن شد^{۴۷}.

۳۵ - مجالس المؤمنین ص ۳۱۹ . ۳۶ - مجالس المؤمنین ص ۳۲۰ .
 ۳۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۳ . ۳۸ - همین کتاب ص ۳۸۶ .
 ۳۹ و ۴۰ - همین کتاب ص ۳۸۶ . ۴۱ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۲ و ۴۳ و
 ۴۴ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ - همین کتاب ص ۳۸۸ .

نهرهای منشعب از هراز

نهرهایی که به ترتیب از دست چپ رود هراز جدا می شوند از این قرارند:
 ۱- کمان رو ۲- شلوت^{۴۸} ۳- تچه رو^{۴۹} ۴- لکونی^{۵۰} ۵- ماسین^{۵۱}
 ۶- شهر رود ۷- آهی رو .

نهرهایی که به ترتیب از دست راست رود هراز جدا می شوند از این قرارند:
 ۱- سکه رو^{۵۲} ۲- زن مرد^{۵۳} که شعبه ای از آن به نام بورود^{۵۴} معروف است
 ۳- ترکه لارود^{۵۵} ۴- خشکه هراز ۵- ولیکه رود^{۵۶} نخستین نهری که بالاتراز
 سکه رو در محل سلهار^{۵۷} از هراز جدای می شود و به بابل و حومه آن می رود به نام
 «کاری» معروف است. رود هراز به پنج قسمت تقسیم می شود. دو قسمت آن
 در کاری می رود و سه قسمت دیگر از هراز پائین می آید و به نهرهای دیگر می رسد.

راه شاه عباسی

در فاصله ۱۴۳۹ ه. ق تا ۱۴۵۰ ه. ق

فریزر درباره این راه می نویسد:

تنها شاهراهی که از دو ایالت گیلان و مازندران می گذردهمان
 است که به امرشاه عباس و با اسلوب معماری محکم و با دوام عهد آن
 پادشاه احداث کرده اند. ظاهراً پهنایش پانزده الی شانزده پا است.
 در احداث این جاده ابتدا زمین رابه ژرفای زیادی کنده و باریک
 و سنگ ریزه پر کرده و سپس بر روی آن به طور منظم قطعات سنگ
 نهاده و با استحکام تمام ساروج کرده اند. این شاهراه از گسکر
 یعنی منتهی الیه غربی گیلان آغاز می شود، از سراسر این ایالت

۴۸ - بکسر شین و سکون لام و فتح واو . ۴۹ - بفتح تاء . ۵۰ - بضم لام .
 ۵۱ - بفتح باء . ۵۲ - بفتح سین . ۵۳ - بکسر نون . ۵۴ - بفتح واو .
 ۵۵ - بکسر تاء . ۵۶ - بفتح واو . ۵۷ - بفتح سین .

و همچنین مازندران و استراباد می‌گذرد، متوجه بسطام خراسان می‌شود و به نقطه‌ای در چهل و پنج میلی مشهد ختم می‌گردد. در بسیاری نقاط آب به ژرفای چندین پا بر روی این جاده سنگ‌شده افتاده است. با اینهمه چون شاهراه عباسی شالوده‌اش محکم است، به همین سبب بر سایر جاده‌ها رجحان دارد و چون بر اثر مرور زمان بخش‌هایی از این جاده خراب شده و کسی در صدد تعمیر آن بر نیامده است، اینک کاروان‌هایی که از صفحات شمالی ایران می‌گذرند، کراراً ناگزیرند شاهراه عباسی را ترك گفته، در حاشیه کرانه دریای خزر سفر کنند^{۵۸}.

راه آمل به ری = راه هراز

ابن اسفندیار درباره راههای طبرستان می‌نویسد:

راهها و پولهای طبرستان را ابو اسحق ابراهیم بن مرزبان ساخت^{۵۹}. راه هراز ظاهراً پیش از ابراهیم بن مرزبان، ساخته شده بود، و آمدورفتی داشته است. هنوز در «تنگ بریده» آثار راه‌سازی دوران ساسانی برجای است و ظاهراً پیش از ساسانیان نیز این راه آباد بوده است. به دستور ناصرالدین شاه این راه تعمیر و مرمت شده است. ناصرالدین شاه در سفرنامه خود درباره این راه می‌نویسد:

از آمل يك فرسنگ بیشتر که رفته به «هلامه‌سر» رسیدیم که ابتدای راه تازه است. این راه جدید را از دو سال قبل (۱۲۸۹ ه. ق) تا به حال به صرف جیب خودمان با مخارج گزاف حکم کردیم بسازند. راه بسیار خوبی ساخته شده است. حسنعلی خان - وزیر

Fraser, Jmaes, Baillie. Travels and Adventures in the Persian Provinces. PP: 70,71

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۲۷ و ۲۸ .
۵۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۲ .

فوائد عامه - که مباشر این راه بود، چون افتتاح راه بود، طاق نصرت و موزیکانچی در سر راه حاضر کرده بود^{۶۰}.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره تعمیر و مرمت این راه چنین نوشته است:

چون راه آمل به عراق بواسطه بعضی پرتگاهها و مضایق و باتلاقها و نبودن پلها بر روی هراز و سایر رودخانهها و نبستن بعضی سدها مایه تعسر عبور قوافل مازندران به عراق و روندگان عراق به مازندران و اموال بسیار تلف و عرضه خسار می‌شد، رای جهان آرای شاهنشاهی که مبتنی بر اشاعه عدل و افاضه خیر و تسهیل مشکلات و تحصیل ترقیات و ترفیه عباد و تعمیر بلاد است، متعلق و متوجه رفع این غایله گردیده، در رمضان سال ۱۲۸۹ جناب حسنعلی خان - وزیر فواید - راکه از رجال آزموده کار دیده صاحب علم این دولت جاوید شوکت است، به این مهم عالی مأمور فرمود. معظم‌الیه این راه را مسطح و موسع و صاف و هموار نموده، در مدت وقتی بندها و سدها و پل‌های زیاد در مواضع لازمه، در کمال استحکام، به قاعده علم هندسه بسته، به اتمام رساندند. اینک از آمل تا دارالخلافه باهره همه جا راه طوری است که دو عراده کالسکه که بخواهند از پهلوی یکدیگر عبور کنند، بدون تصادف و مزاحمت یکدیگر، از هم می‌گذرند و در هیچ نقطه و موضع از برای عابرین زحمتی نیست. بعد آمل از دارالخلافه ناصر تقریباً بیست و پنج فرسخ به خط مستقیم و از راه معروف متداول بیست و هفت فرسخ است^{۶۱}.

۶۰ - سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳ .

۶۱ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶ و ۷ .

پیشرفتهای آمل در زمان ناصرالدین شاه

راه آهن اسبی آمل تا نائیج و شمندفر راه آمل تا محمودآباد

و ایجاد کارخانه ذوب آهن

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه حاجی محمدحسن امین‌الضرب به فکر استفاده از معادن نائیج می‌افتد و از ناصرالدین شاه امتیازاتی به این شرح می‌گیرد: فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۵ هـ . ق ۶۲ .
در این فرمان شاه به حاجی محمدحسن امین دارالضرب اجازه داده است که دوفرسخ راه آهن اسبی از آمل تا نائیج و شمندفر راه آمل تا محمودآباد را از مسکو خریداری کرده و به ساختن این راه مشغول گردد .

بسم الله تعالی شانه‌العزيز

[جای مهر ناصرالدین شاه] ۶۳

الملك لله تعالى حکم همیون شد آنکه چون بتاريخ رمضان المبارک ۱۳۰۴ مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین دارالضرب از مسکو اجازه تلگرافی خواست که مرخص فرمایم راه آهن ۶۴ شمندفر از برای محمودآباد ملک زرخریدی خودش خریداری کرده از بتدر مبارکه محمودآباد تا شهر آمل را آباد و دایر نماید مسئول مقرب الخاقان مشارالیه را اجابت فرموده او نیز بعلاوه راه شمندفر دوفرسخ راه آهن اسبی خریداری کرده از آمل الی نائیج که نزدیک معادن چوب جنگل و آهن و ذغال سنگ و غیره است مشغول راه‌سازی شده . و چون جاده قدیم از محمودآباد الی آمل خط مستقیم از جنگل گالش پل خالصه دیوان اعلی عبور مینماید تمام خط راه را از جنگل گالش پل بمحمودآباد و از شهر آمل الی ایریکاء

۶۲- اصل این فرمان در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی است . ۶۳ - مهری چهارگوشه بزرگ که در کلاهک آن « الملك لله تعالی » و سجع آن :
« تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت » .
۶۴ - ذیل این سطر جای صحه ناصرالدین شاه است .

و نائیج را بملك مقرب الخاقان مشارالیه مرحمت و واگذار فرموده مقرر می‌فرمایم که از هذه السنه تنگوزئیل و مابعدا در دوطرف جاده که بلامالك و بلامنازع است بنای خانه و کاروانسرا و باغات و دکاکین و غیره گذاشته تمام آنها را نود و نه ساله نسلا بعدنسل ملك طلق خود و اولاد خود دانسته در کمال دلگرمی و امیدواری بشرايط آبادی پردازد مقرر آنکه حکام حال و استقبال ولایت مازندران همه وقت شرايط تقویت و همراهی را از مشارالیه بعمل آورده و مقربوا الخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسندفی شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۵ .
فرمان ناصرالدین مورخ ۱۳۰۴ هـ . ق .

در این فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) امتیاز کارخانه آهن ریزی و آهن‌سازی را از ایت‌ئیل ۱۳۰۴ به مدت سی سال به حاجی محمدحسن امین دارالضرب داده و او را از پرداخت مالیات و غیره معاف کرده و رسوم راه‌داری و گسرکخانه را به مدت پنج سال در داخل ایران به او بخشیده و حقوق و مزایای دیگری برای او پیش‌بینی کرده است .

بسم الله تعالی شانه‌العزيز

[جای مهر ناصرالدین شاه] ۶۵

الملك لله تعالى حکم همیون شد ۶۶ آنکه چون اراده علیه قدسیه و مشیت کامله ملوکانه بر این علاقه دارد که ایجاد کارخانه آهن ریزی و آهن‌سازی در ایران نموده و بساینواسطه انکشاف بعضی از معادن مکنونه نماید لهذا نظر بحسن اعتقاد و اعتمادیکه بخدمات و کارهای مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین

۶۵ - مهر چهارگوشه کلاهک دار ناصرالدین شاه که اطراف آن منذهب و مطلاست در کلاهک مهر « الملك لله تعالی » سجع مهر :
تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت .
۶۶ - با خط طغرا و مطلا .

دارالضرب داشته و داریم ایجاد کارخانه مزبور را از هذه السنه مسعوده آیت- نیل سعادت دلیل و مابعدا سی ساله بمشاریه مفوض و مرجوع فرموده بصدور این خطاب مستطاب امر و مقرر میفرمائیم که از این تاریخ تا الی انقضاء مدت سی سال احدی حق احداث و ایجاد این کارخانه را نخواهد داشت و معادنی که از قبیل سنگ مس و سرب و آهن از چهار جانب در اطراف نقطه این کارخانه الی ده فرسخ ایجاد شود حق مشارالیه است و از اینبابت بهیچ اسم و رسم دیناری از مشارالیه باسم مالیات و غیره مطالبه نخواهد شد و هر قدر سرب و مس از این معادن استخراج شود از این تاریخ تا مدت پنجسال در داخله ممالک محروسه ایران از رسوم راهداری و گمرکخانه معاف خواهد بود الی انقضاء مدت پنجسال پس از آن اولیای دولت قاهره حق مطالبه گمرک خواهند داشت و هر فلزیکه از این چهار معدن سوای مس و سرب حاصل گردد حق مشارالیه است الا طلا که تعلق بدولت علیه دارد و هرگاه از معادن مزبوره آب جاری شود حق مشارالیه است که در اراضی حوالی معادن بمصرف زراعت و آبادی رسانده و نیز بغیر از حاجی محمد رحیم برادرش هرگاه بخواهد برای خودش سهم و شریک قرار بدهد مجاز است خود و شرکاء او هم در تحت حفظ و حمایت مخصوص دولت علیه خواهند بود و اگر در ظرف این مدت کمپانی بجهت ایجاد خطوط راه آهن ایران آمد و خواست عهدنامه به بندد حق مشارالیه است که هر قدر بتواند از آهن آلات خطوط مزبور را برعهده بگیرد و سازد و تنخواه او را دریافت نماید و بجهت حمل و نقل آهن آلات کارخانه خود بمرکز دارالخلافه میتواند در خط راه عراده آهنی ایجاد نماید که امتنع او بهسولت وارد دارالخلافه گردد و عموم وزراء عظام و چاکران دربار سپهر احتشام باید شرایط تقویت و رعایت را در این فقره از مشارالیه بعمل آورده و مقربو الخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح منشور قضا دستور ملوکانه را از شایبه تغییر و تبدیل مصون و محروس داشته در عهده شناسندگی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۴ ۷۱.

۶۷ - اندازه فرمان $71/5 \times 44/5$ سانتیمتر است .

پشت فرمان را مشیرالدوله و نایب السلطنه و امین السلطان مهر کرده اند .

فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۷ هـ . ق.

در این فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۶۴) زمین سبز میدان آمل و اراضی باغشاه متصل به آن را در مقابل یکصد عدد اشرفی به حاجی محمد حسن امین دارالضرب واگذار کرده تا در آنجا ایستگاه راه آهن بسازد .

بسم الله تعالی شانه العزیز^{۶۸}

[جای مهر ناصرالدین شاه]^{۶۹}

الملك لله تعالی حکم همیون شد آنکه چون سابقاً قطعه زمین سبز میدان آمل را برای ساختن کارت و راه شمندفر بملکیت معتمد السلطان حاجی محمد - حسن^{۷۰} امین دارالضرب مرحمت فرموده بودیم ولی فرمان مبارک صادر نشده بود این اوقات مستدعی صدور فرمان جهانمطاع مبارک شد ایجابالمسئوله بصدور این منشور قدر دستور ملوکانه زمین سبز میدان را بانضمام تمام اراضی باغشاه که متصل بزمین سبز میدان است بملکیت مشارالیه مرحمت و واگذار فرمودیم که همه نوع تصرفات مالکانه از نقل و انتقال و بیع و شری و غیره مثل سایر املاک خود در او بنماید و مبلغ یکصد عدد اشرفی از بابت قیمت اراضی مزبوره تقدیم نمود و ضبط حضور مبارک گردید مقرر آنکه حکام حال و استقبال مازندران زمین سبز میدان و اراضی باغشاه را از هذه السنه بارس نیل و مابعدا بملکیت مشارالیه مقرر دانسته مقربو الخاقان مستوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام شرح قضا نظام مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شایبه تغییر و تبدیل مصون داشته

۶۸ - این عبارت با آب طلا نوشته شده است . ۶۹ - مهر بزرگ چهار گوشه

کلاهک دار که در کلاهک آن « الملك لله تعالی » و سجع آن :

« تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از ماه تا ماهی گرفت » .

۷۰ - زیر کلمه « محمد حسن » جای صحه ناصرالدین شاه است .

در عهده شناسند شهرشوال المکرم ۷۱۳۰۷ .

[برحاشیة سواد این فرمان عبارت زیر نوشته شده است]

اصل این فرمان در شهر صفر ۱۳۴۵ به محمودآباد نزد مشکوة الممالک فرستاده شد . اصل فرمان فعلا نزد آقای دکتر اصغر مهدوی است و ما از روی آن رونویس کرده ایم . (عکسهای شماره ۶ و ۷ و ۸ .)

۱ - بناها و آثار تاریخی شهر آمل

کاخها و مشاهد قدیمی آمل

قصر سلطنتی و دارالحکومة قدیم آمل

مسعودی گوید آمل در دوطرف رودخانه ساخته شده و در وسط رودخانه جزیره ای است که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در یک سمت آن جزیره بنا شده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به خشکی است.^۱ این جزیره تا امروز برجای است و پل جدید رضاشاهی آنرا به دو قسمت کرده است و از کاخ سلطنتی نیز تا دوران صفویان خبر داریم .

گنبد ایرج بن فریدون

در شهر آمل

گنبدی است در میان شهر آمل تاکنون (۱۲۷۷ ه . ق .) چهار ذرع به گودی انداخته ، به عمق نرسیده .^۲

قصر و گور آمله

در کوچه گازران شهر آمل

«قصر آمله که زن فیروز بود ، اینجا که این ساعت (۶۰۶ ه . ق) کوچه

۱ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۵ . ۲ - نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۸۸ الف .

۷۱ - اندازه فرمان ۴۷ × ۴۱ . اطراف مهر تذهیب و طلاکاری است و اطراف فرمان و بین السطور جدول کشی دارد .

گازران می‌گویند، پسرسته بزازان بود و دخمه نیر همانجاست.^۳

خالد سرای

در شهر آمل

خالد بن برمک کاتب در سال ۱۵۴ ه. ق. به حکومت مازندران رسید و در آمل در موضعی که (در سال ۶۰۶ ه. ق.) خالد سرای می‌گفتند، کاخی بنا کرد و چهار سال در آن به حکومت مشغول بود؛ تا منصور خلیفه او را احضار کرد.

جاولی کوشک

در محلی به همین نام در شهر آمل

صاحب تاریخ طبرستان می‌نویسد: «حسام الدوله شهریا، (۴۶۶ - ۵۰۱) در آمل آنجا که معروف است به «جاولی کوشک» قصری عالی ساخته بود و کوشک جاولی من دیدم (در سال ۶۰۶ ه. ق.) شاه اردشیر پست کرد.»^۴
همین مؤلف در جای دیگر کتاب خود گوید: «در آمل به موضعی که «کوشک جاولی» گویند حسام الدوله اردشیر بن حسن (۵۶۸ - ۶۰۲) سرای رفیع و عالی ساخته بود؛ آب ببرد.»^۵

قصر و سرای کینخوار پسر با حرب

در آمل کینخوار بن با حرب قصر و سرای داشته است.^۶

سرای و خانه عبدالله بن حازم

در حازمه کوی

حازمه کوی در آمل سرای و خانه عبدالله بن حازم است.^۸

۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۱ و تاریخ طبرستان و مازندران ص ۲۰ . ۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۱ و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ . ۵ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۸ . ۶ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۳۱ . ۷ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۱ . ۸ - تاریخ رویان ص ۵۲ .

سرای و گرمابه خواجه یعقوب مجوسی

پس از اینکه علاءالدوله علی (۵۱۲ - ۵۳۳) در مازندران به سلطنت نشست «هیبت او زیادت شد و اصحاب اطراف از فتنه جوئی و تحکم بنشستند و او سلقام خاتون را به ساری بنشانند و خواجه یعقوب مجوسی را وزیر او گردانید و آرم و چمنو تالار و اهلم و دیگر مواضع به نان او پدید کرد. بعد مدتی خواجه یعقوب مسلمان شد و اسپهد علاءالدوله علی وزارت خویش بدو داد و هنوز (در حدود ۶۰۶ - ۶۱۱ ه. ق.) به آمل سرای و گرمابه او را عمارت پدیداست.^۹

خانه سادات

در مصلاهی آمل

حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر در مصلاهی آمل خانه بنا کرد و فرمود مجموع سادات آنجا خانه‌ها ساختند.^{۱۰}
در محل هلال احمرایران، سرپل مصلی، پشت کتابخانه عمومی شهر گنبدی به نام «خضر» است که ممکن است مدفن یکی از سادات باشد. داخل این گنبد محلی معروف به «هفت تن» است که امکان دارد هفت تن از سادات حسنی در اینجا به خاک سپرده باشند.

مردم آمل شبهای چهارشنبه به زیارت این محل می‌آیند.

مشهد شیخ ابوتراب

در آمل

مشهد شیخ ابوتراب در محله در لبش بر در مسجد است.^{۱۱}

۹ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ . ۱۰ - تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۲۲ و تاریخ رویان ص ۸۰ . ۱۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

تربت شیخ زاهد فیروی

در آمل

تربت شیخ زاهد فیروی در محله علیاباد بر در دروازه زندانه کوی است. ۱۲

خانقاه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب

در شهر آمل

خانقاه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب معمور و اصحاب خرق مجاور و خیرات و لقمه برقرار. ۱۳

تربت ابو جعفر الحناطی

در شهر آمل

محله و مسجد و تربت شیخ زاهد ابو جعفر الحناطی در آمل نهاده است. ۱۴

مرقد حسن بن حمزه العلوی

در شهر آمل

السید الامام الفقیه العالم المتکلم الزاهد الشاعر حسن بن حمزه العلوی مرقد او مقابل مدرسه زین الشرف به ماهی رسته باشد و سید امام بهاء الدین بن الحسن بن المهدي المامطیری، ملک السعید اردشیر را بر آن داشت تا آن مرقد را تعمیر کرد. ۱۵

مرقد شرف الدین

در شهر آمل

سید زاهد عالم متقی شرف الدین، مرقد او به مدرسه امام خطیب مقابل مشهد سه راه، اظهار مذهب امامیه و بطلان مذهب زیدیه از شرف الدین قوت

۱۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

۱۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۵ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۳ .

گرفت در آن حدود . ۱۶

مرقد سید رکن الدین ساری

در آمل

سید رکن الدین برادر سید شرف الدین است و مرقد او در جوار برادر است . ۱۷ در مدرسه امام خطیب .

مشهد امام شهید عبدالواحد بن اسماعیل

در آمل

امام شهید فخر الاسلام عبدالواحد بن اسماعیل که شافعی دوم خوانند و خواجه نظام الملک به آمل به جهت او مدرسه ای فرمود و هنوز (۶۰۶ - ۶۱۱ هـ . ق) باقی است و معمور و امام ابو المعالی جوینی او را می گوید «ابوالمحاسن کله محاسن» فقه و دیانت وزهد و صیانت او چون عجایب روزگار بی شمار و چهل مجلد کتاب البحر در مذهب شافعی تصنیف او خلاف دیگر تصانیف و امالی اخبار او خروارها بر آید و کیاست او تا بغایتی بود که به عهد او ملاحظه ملاعین فتوی طلبیدند و بر کاغذی نبشته که چه گویند ائمه دین در آنکه مدعی و مدعی الیه برحق راضی شوند. گواهی بیاید و برخلاف دعوی مدعی و اقرار مدعی علیه گواهی دهد. چنین شهادت مسموع باشد یا نه ؟

و این کاغذ پاره به حرمین فرستادند و امامان حرمین محمد جوینی و محمد غزالی و ائمه بغداد و شام جمله جواب نوشتند که چنین گواهی به شرع مسموع نیست تا پیش او آوردند. در کاغذ نگرید و روی به مر دکرد و گفت ای بدبخت چندین سعی نامشکور بر تو وبال باشد و بفرمود که او را باز دارند و قضاة و ائمه جمع آمدند. گفت «این فتوی ملاحظه نوشتند و این مدعی علیه جهود و ترسانند و این گواه رسول ما صلوات الله علیه رامی خواهند که قرآن مجید

۱۶ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۶ . ۱۷ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۶ .